

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

راجع باینکه صرف ساختن دیوار باعدم تغییر حدفاصل تغییر حد منظور در قانون کیفر نخواهد بود

ماده ۲۶۴ قانون کیفر

۱۳۵۸ بتاريخ ۲۱ ر ۶ ر ۱۸ چنین رأی داده است :
(اعتراض دادسرای استان بر حکم مورد درخواست خلاصه آنکه (اقسام متهم بساختن دیوار تغییر حدفاصل محسوب و عمل او باماده ۲۶۴ قانون مجازات عمومی انطباق دارد) وارد نیست زیرا بطوریکه دادگاه تشخیص داده حدفاصل بین دو ملک لهر بوده و متهم در آن تغییری نداده و صرف ساختن دیوار ولو بقصد داخل کردن قسمتی از ملک مجاور در ملک خود باشد باعدم تغییر چیزیکه حد فاصل شناخته شده تغییر حد بمنظور مذکور در ماده استنادی محسوب نمیشود و چون از جهت رعایت اصول و قانون اشکال مؤثر موجب نقض نظر نمیرسد حکم فرجام خواسته بانفاق آراء ابرام میشود)

کسی با اتهام تغییر حد فاصل ملک غیر مورد تعقیب واقع شده و پس از صدور قرار اناطه از طرف بازبرس و صدور دادنامه از دادگاه حقوقی شاکی خصوصی با استناد دادنامه نامبرده شکایت خود را تعقیب و طبق ماده ۲۶۴ قانون کیفر ادعای بدادگاه جنحه تقدیم میشود - دادگاه بواسطه کافی نبودن دلیل متهم را تبرئه میکند - بر اثر پژوهش خواستن دادستان دادگاه استان باستدلال اینکه (حدفاصل لهری است که بحال خود باقی و تغییر در حد فاصل داده نشده و بنای دیوار هم که از جنبه حقوقی مورد اختلاف بوده تغییر حد فاصل بر آن صادق نیست) دادنامه را استوار کرده - دادستان استان فرجام خواسته - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه دادنامه با اجرای مدلول وصیتنامه داده شده

ماده ۸ آئین دادرسی حقوقی و ۹۶۷ قانون مدنی

دادخواست مدعیان و جریان دادن آن باعدم تقویم و پرداخت هزینه قانونی تا موقع صدور قرار صلاحیت دادگاه شهرستان موقعیت قانونی نداشته و تقویم مدعی به آنها در غیر موقع قانونی بسی هزار ریال ملاکی نداشته زیرا اگر واقعاً خواهان بتصور قیمت اموالی که از آن منتفع شده اند خواسته را معادل مبلغ مزبور ارزیابی کرده باشند این تشخیص صحیح نبوده و با ایراد در این باب اقتضا داشته که دادگاه با جلب نظر کارشناس ارزش خواسته را تعیین نموده باشد و چنین اقدامی بعمل نیآمده و اینکه گواهی های منسوب بسفارت برخلاف ترتیب مقرر در

دو نفر بخواسته اعتبار قانونی نسبت بوصیتنامه یکی از اتباع خارجه و اجرای آن نسبت بما ترك اودر دادگاه شهرستان اقامه دعوی کرده و دادنامه بلزوم عمل و اجرای وصیتنامه داده میشود - خواننده ها از این دادنامه پژوهش خواسته و دادگاه استان پس از رسیدگی چنین رأی داده است و عمده اعتراضات و تلاء پژوهش خواهان اینست که (مدعی به دعوی غیر مالی و موضوعاً اعتبار دادن بوصیت نامه بوده و طبق ماده ۸ قانون اصول محاکمات مرجع رسیدگی باین قبیل دعاوی دادگاه بخش است نه دادگاه شهرستان و اینکه قبول

غیر منقول هم نیست تا اشکال و گلاء پژوهش خواهان در باب ارزش مدعی به قابل رسیدگی و جلب نظر کارشناس باشد. بالنسبه قرار صلاحیت صادر از دادگاه شهرستان در باب رسیدگی باین دعوی صحیح و غیر قابل خدشه است و ماده ۳۵ آئین نامه قانون راجع بترکه اتباع خارجه هم در این مقام تأثیری ندارد چه مقررات ماده مزبور نظر بتصدیق های مربوطه و وراثت و انحصار وراثت اتباع خارجه است و در این مورد تصدیقات استنادی پژوهش خواندگان راجع است بامر وصیت مورث ایشان و معتبر بودن وصیت - اما تصدیقات صادره از سفارت که صدور آنها از مقام مزبور مورد اشکال پژوهش خواهان نبوده ولی بعلمت عدم اشمال آنها بر گواهی وزارت امور خارجه بی اعتبار و غیر قابل ترتیب اثر معرفی گردیده است اساساً قابل انطباق با عنوان و مبحث راجع باعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه نیست تا گواهی وزارت امور خارجه در آنها قانوناً لازم فرض شود. اما نسبت بامر وصیت گرچه پژوهش خواهان اقرار صریح بر صدور وصیت نامه از طرف مورث خود نموده اند ولیکن انتساب ورقه مزبور بمشاریه از مجموع تصدیق نامه های سفارت خانه و نامه متوفی بعنوان وزیر مختار سفارت نامبرده و صورت مجلس تنظیمی در سفارت مزبور که پژوهش خواهان نیز آنها امضاء نموده و این معنی را اعتراف دارند محرز میباشد و نوجیهات و گلاء پژوهش خواهان در باب لزوم ثبت وصیت نامه در دفتر اسناد رسمی و قابل استناد نبودن وصیت نامه مورد بحث در دادگاه باعتبار مقررات قانونی ثبت و ماده ۴۸ قانون مزبور نیز موجه نیست زیرا امر وصیت انطباقی با عقود معاملات مندرجه در آن مواد ندارد تا محلی برای استناد بماده ۴۸ باقی باشد مضافاً باینکه مطابق قانون راجع بطرق تنظیم وصیت نامه مصوب بهمن ۱۳۱۷ و وصیت خود نوشت هم در صورتیکه بخط موسی و دارای امضای او و تاریخ تنظیم آن باشد معتبر شناخته شده است و با احراز انتساب وصیت نامه استنادی پژوهش خواندگان به متوفی و ورقه نامبرده نیز مشمول عنوان وصیت نامه خود نوشت میباشد و با ملاحظه اینکه وصیت از امور مربوطه باحوال شخصیه است و ماده ۹۶۷ قانون مدنی صریحاً اشعار دارد که ترکه اتباع

ماده ۳۶ نظامنامه قانون مربوط بترکه اتباع خارجه بوده و قابل ترتیب اثر در دادگاههای ایران نیست زیرا اوراق مزبوره از طرف مقامات صلاحیتدار دولت ایران گواهی نشده است و اینکه استدلال دادگاه شهرستان بر عدم انطباق موردی با مقررات قانون ثبت از حیث تنظیم اسناد در دفتر اسناد رسمی غیر موجه بوده زیرا ماده ۴۸ قانون مزبور ثبت اسناد معینی را اجباری دانسته اعم از آنکه طرفین دعوی راجع بصحت انتساب آن توافق داشته یا نداشته باشند مضافاً باینکه موکلین ایشان هیچگاه تصدیق بصحت انتساب وصیت نامه مزبور را بمتوفی ننموده و امضاء صورت مجلس تنظیمی در سفارتخانه از طرف آنان ملازمه با تسلیم ایشان بصحت وصیت نامه و تصویب مدلول آن ندارد و اینکه تصدیق نامه سفارت راجع بتعیین مقررات قوانین کشور مزبور در مورد تقسیم ترکه موسی و مقدار قابل وصیت است که اعمال آن در مورد مانحن فیه بایستی بوسیله دادگاههای کشور ایران از طریق ارزیابی متروکات بعمل آید و سفارت مزبور در باب لازم الاجرا بودن مدلول وصیت نامه نامبرده صالح برای اظهار نظر نبوده و تصدیقانی که در این زمینه کرده قابل ترتیب اثر نیست و قوانین دولت متبوع متوفی هر چه باشد رسیدگی بدعوی در ایران بایستی طبق اصول محاکمات ایران بعمل آید و راجع بامور مربوطه بغیر منقول قوانین ایران حکم فرما و بالازم لرغایه بودن مواد ۹۶۶ و ۹۶۹ و ۹۷۵ قانون مدنی در این مورد دادگاه شهرستان مواد مزبوره را رعایت نکرده است و اینکه قانون ایران وصیت ثالث را نافذ و نسبت بمآذرا در صورت عدم قبول ورثه باطل دانسته و در قوانین کشور موسی هم همین ترتیب مقرر است. اعتراضات مزبوره وارد بنظر نمیرسد زیرا موضوع دعوی پژوهش خواندگان از صدایق دعوی مذکوره در شق ۴ ماده ۸ قانون اصول محاکمات راجع بحقوق غیر مالی نیست تا مرجع رسیدگی بآن دادگاه بختن فرض شود و مطابق اصول کلی دادگاه شهرستان در رسیدگی بکلیه دعوی جز آنچه صریحاً در قانون مستثنی شده باشد صلاحیت دارد و در این مورد که رسیدگی بدعوی پژوهش خواندگان در صلاحیت دادگاه شهرستان میباشد و نسبت بمعادلسی هزار ریال بدادخواست تقدیمی الصاق نموده و مورد دعوی مشمول عنوان مربوطه باموال

بالجمله دادنامه پژوهش خواسته نتیجه خالی از اشکال
 بنظر رسیده و نباید میشود - بر اثر فرجامخواهی یکی از
 محکوم علیهم شعبه [۴] دیوان کشور در دادنامه شماره
 ۱۳۳۴ بتاریخ ۱۷/۶/۱۸ چنین رأی داده است:

(اعتراضات فرجامخواه راجع به صلاحیت دادگاه شهرستان
 بر فرض ورود تأثیری در نقض حکم مورد شکایت نخواهد
 داشت و اعتراضات دیگر مشارالیه عمده آنها تکرار مطالبی
 است که در مراحل ماهیته اظهار و موجهاً مردود گردیده
 و از حیث رعایت قانون و اصول معاکه اشکالی که مؤثر
 و موجب نقض باشد بنظر نمیرسد لذا حکم مورد شکایت باتفاق
 آراء میرم است)

خارج در ایران از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوط
 به تمیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که
 متوفی میتوانسته است بموجب وصیت تملیک نماید تابع
 قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود و اینکه تصدیقنامه های
 سفارت نامبرده هم مشعر بر مطابقت وصیتنامه با مقررات مدنی
 آن کشور است و از طرف پژوهش خواهان هم دلیلی برخلاف
 تصدیقات مزبوره اقامه نشده و اظهار و کلاء ایشان مبنی بر
 نافذ بودن وصیت در مازاد از ثلث ترکه و بالاخره مشابحت
 مقررات قانونی مربوط بوصیت در ایران با مقررات قانونی
 دولت متبوع متوفی نیز بلا دلیل و غیر قابل ترتیب اثر میباشد

تصمیم دادگاه استان شعبه فرجامی

راجع باینکه دادگاه در موردی که التزام بتأدیه دین معلق بوده ضمانت را باطل دانسته

ماده ۶۹۹ قانون مدنی

فرجامی در دادنامه شماره ۴۶۹۱ بتاریخ ۲۱/۱۰/۱۷
 چنین رأی داده است .

« سند مشتمل بضمانت مستدعی علیه صریح است در اینکه
 مشارالیه بعد از ضمانت نسبت بدین مدیون تأدیه را معلق به
 تخلف مدیون کرده است که بموجب ذیل ماده ۶۹۹ قانون
 مدنی اینگونه تعلیق بطلان عقد ضمانت را ایجاب نمینماید بنا
 بر این حکم میز عنده در تشخیص تعلیق در ضمانت و حکم بطلان
 آن مخالف بامدلول سند و غیر موجه و بموجب ماده ۳۴۵
 قانون آزمایش باتفاق آراء نقض میشود »

کسی در دادگاه بخش برضامنی اقامه دعوی کرده باین
 نحو که مضمون عنده مبلغی بموجب تعهدنامه بخواهان بدهکار
 بوده و در حاشیه آن ضامن نوشته است (اینجانب ضامن
 وجه متن میباشد که در صورت تخلف مدیون از عهده وجه
 تمسک برآیم) دادگاه بخش ضامن را محکوم بپرداخت کرده
 و بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه شهرستان (بعنوان
 اینکه ضامن تعلیقی است و باطل میباشد) دادنامه را گسیخته
 و پژوهش خواننده را بیبیهقی محکوم کرده - پژوهش خواننده
 درخواست رسیدگی فرجامی کرده - دادگاه استان شعبه